

ژئوتروریسم: رویکردی جغرافیایی به تروریسم

رسول افضلی^۱، سلمان انصاری زاده^{۲*}، داوود پویان^۳

۱- استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳- کارشناسی ارشد سیاستگذاری عمومی دانشگاه تهران، تهران، ایران

دریافت: ۸۸/۹/۱ پذیرش: ۸۹/۳/۲۳

چکیده

ترور و تروریسم پدیده نوظهوری نیست. اگر چه قدمت این پدیده به طول تاریخ انسان است اما چهره جدید و شکل سازمانی این پدیده در دنیای مدرن شکل نو و چند بعدی به خود گرفته است، بهطوری که در هزاره سوم در اثر رشد و توسعه علم و تکنولوژی، تروریسم از مرزهای ملی و منطقه‌ای عبور کرده و به پدیده‌ای جهانی تبدیل شده است. در واقع ما وارد دوران جدیدی از تاریخ تروریسم شده‌ایم که می‌توان آن را ژئوتروریسم نام گذاشت.

هدف این مقاله بررسی مفهوم ژئوتروریسم و شاخص‌های مورد مطالعه آن در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک است. از این رو پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که ژئوتروریسم چیست و چه شاخص‌های مطالعاتی در جغرافیای سیاسی دارد؟ در یک مبحث جمع‌بندی شده، این مقاله به بررسی ژئوتروریسم و فصل تمایز آن با تروریسم، رابطه جغرافیا با تروریسم و شاخص‌های جغرافیایی مورد توجه در بررسی مفهوم ژئوتروریسم می‌پردازد.

در مقاله حاضر سعی شده است تا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیرهای جغرافیایی (توپوگرافی، جمعیت، آب و هوا، آب، حفره‌های دولت، موقعیت جغرافیایی مکان‌ها، اقلیت‌های قومی و مذهبی و ...) و موفقیت یا عدم موفقیت فعالیت‌های تروریستی رابطه معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: تروریسم، ژئوتروریسم، امنیت، مکان، فضا.

۱- مقدمه

تروریسم پدیده جدیدی نیست. تاریخ مملو از اقدامات تروریستی است که حیات بی‌گناهان زیادی را سلب یا تهدید کرده است؛ افراد زیادی را از اولین حق خود، یعنی حق حیات و



صیانت نفس محروم ساخته، روابط دوستانه میان دولت‌ها را در معرض خطر قرار داده و تمامیت ارضی و امنیت دولت‌ها را به مخاطره افکنده است (غالی، ۱۳۸۲: ۲۳۷).

با ورود به عصر پست‌مدرنیسم و عینیت‌یافتن مفاهیمی چون جهانی‌شدن، اقدامات تروریستی در مرزهای ملی محصور نمانده است بلکه گسترش مسافرت‌های هوایی، انقلاب ارتباطات و جهان بدون مرزی که در آن زندگی می‌کنیم شرایطی را پدید آورده که می‌تواند مورد سوء استفاده تروریست‌ها قرار بگیرد و این سوء استفاده به‌طور مسلم جامعه بین‌المللی را که در جهت تکامل گام بر می‌دارد، تحت تأثیر قرار می‌دهد. به این ترتیب تروریست‌ها با جلب مساعدت هم‌پیمانان فرامرزی خود و با تکیه بر ارتباطات و شبکه‌های مالی بین‌المللی می‌توانند تقریباً در هر کجا که بخواهند اقدامات تروریستی خویش را سازمان‌دهی کنند و به اجرا گذارند. شاهد این مدعا حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ است، که عنوان بزرگ‌ترین عملیات تروریستی تاریخ را به‌خود گرفت. این اقدام در کشوری رخ داد که در واقع دارای یکی از پیچیده‌ترین و قوی‌ترین سیستم‌های اطلاعاتی و امنیتی در جهان است. رویداد فوق‌گواه این مطلب است که تروریست‌ها هرگاه بخواهند می‌توانند امنیت کشورها و درمهایت امنیت جهانی را به خطر اندازند، این امر موجب کاهش وزن ژئوپلیتیکی کشورها و ایجاد بحران ژئوپلیتیکی در سطح جهان می‌شود. براساس این اندیشه که تروریسم، امنیت جهانی را به شدت تهدید می‌کند، مباحث راجع به تروریسم اهمیت و توسعه چشمگیری پیدا کرد. حوادث ۱۱ سپتامبر و تهاجم به افغانستان و نیز احساس نیاز بیش‌تر به مبارزه طولانی علیه تروریسم موجب شد تا توجه جامعه بین‌المللی به جغرافیای تروریسم معطوف شود. توتال و شلی در نقد وضعیت جغرافیای سیاسی در آغاز روزهای هزاره سوم، معتقدند که پاسخ و واکنش ایالات متحده نسبت به وقایع قرن ۲۱ جریان جدیدی را که در دوره جنگ سرد ظهور یافته بود، مشخص‌تر کرده و مفاهیم جدیدی را در حوزه ژئوپلیتیکی مطرح ساختند.

بنابراین جغرافیای سیاسی در مطرح‌ساختن و پیگیری سؤالات و مفاهیم جدید از نقش ویژه‌ای برخوردار است (جونز و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۰۷). به لحاظ جغرافیایی هر گفتمانی مکانی دارد. اگر گفتمان جهانی‌شدن در حوزه جغرافیایی اروپا خود را نشان داد، گفتمان پست جهانی‌شدن در خاورمیانه ظهور کرد.

در این مقاله مفهوم ژئوتروریسم را در قالب گفتمان چهارم مورد مطالعه و پژوهش قرار داده می‌شود که در آن دو عامل محیط و جغرافیا از اهمیت اساسی برخوردارند؛ به طوری که نظریه‌پردازان این گفتمان معتقدند که بدون مطالعه جغرافیا نمی‌توان پدیده‌های سیاسی را مورد مطالعه قرار داد و هر پدیده سیاسی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است، که این منحصر به فرد بودن ناشی از شرایط جغرافیایی است.

۲- روش‌شناسی تحقیق

این مقاله با بهره‌گیری از منابع معتبر فارسی و لاتین به تحلیل ژئوتروریسم با استفاده از رویکردی جغرافیایی پرداخته است. متغیرهای این پژوهش مشتمل بر تعاریف و مفاهیم ژئوتروریسم (مکان، فضا، سرزمین، امنیت، استراتژی مبتنی بر خشونت و دفاع مشروع) و متغیرهای جغرافیایی هم‌چون آب و هوا، موقعیت جغرافیایی، حفره‌های دولت، توپوگرافی، اقلیت‌های قومی مذهبی و جمعیت می‌باشد. سؤالات اصلی تحقیق حاضر عبارتند از:

- ۱) ژئوتروریسم چیست و چه شاخص‌های مطالعاتی در جغرافیای سیاسی دارد؟
 - ۲) مکان‌های جغرافیایی چه تأثیری بر گسترش حوادث تروریستی دارند؟
 - ۳) ضرورت مطالعه تروریسم در حوزه‌های جغرافیایی چیست؟
- لازم به ذکر است روش مورد استفاده در این پژوهش نیز توصیفی تحلیلی است.

۳- تروریسم و ژئوتروریسم

ژئوتروریسم^۱ برگرفته از واژه فرانسوی (Geo) به معنای زمین و ترور که به معنای احساس ترس و وحشت شدید است. در مورد تاریخچه واژه تروریسم آن‌گونه که فرهنگ انگلیسی اکسفورد بیان می‌کند، این واژه برای اولین بار در سال ۱۷۹۵ میلادی برای توصیف حکومت ترس و وحشت فرانسه در فاصله انقلاب سال‌های ۱۷۸۹-۱۷۹۴م به کار رفته است. فرهنگ انگلیسی اکسفورد نیز بر این باور است که واژه تروریسم در حدود سال ۱۸۶۶ به وسیله ویلیام

1. Geoterrorism



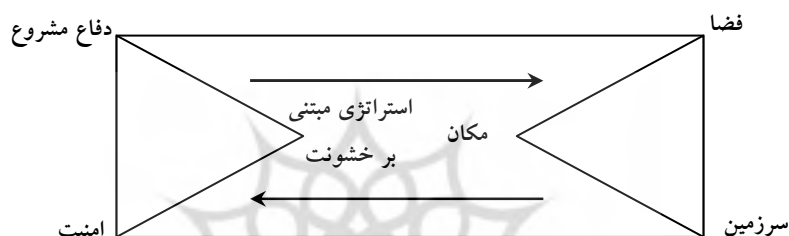
فیتز پاتریک^۱ به معنی کسی که برای اشاره نظراتش از یک نظام وحشت و ارباب استفاده می‌کند، استفاده شده است (Pearlestein, 1991: 2).

در اصطلاح تروریسم عبارت است از اشاعه و گسترش فلسفه سیاسی مخالف در یک دموکراسی و نوعی خاص از درگیری ایدئولوژیک بر سر تصاحب اقتدار و حاکمیت (رایش، ۱۳۸۱: ۱۲۳). در این میان علی‌رغم تلاش‌های بسیار جامعه بین‌المللی به دلایل ایدئولوژیک یا سیاسی تاکنون توافقی در مورد تعریف تروریسم حاصل نشده است. و این موضوع همواره به عنوان یکی از عمده‌ترین مشکلات موجود در راه مبارزه با تروریسم مطرح بوده است (Dona, 1987: 1-9 and Muller, 2003: 211-219). چرا که اقدامات خشونت‌آمیز یک گروه که به عنوان تروریست محسوب می‌شوند، ممکن است از سوی گروه یا دولت دیگر به مثابه جنگ وطن‌پرستانه تلقی شود (برادن و شلی؛ ۱۳۸۳: ۲۲۳). نمونه بارز آن را می‌توان حزب‌الله لبنان مثال زد، در حالی که منابع غربی، حزب‌الله لبنان را یک گروه تروریستی می‌خوانند، کشورهای اسلامی با حمایت از حزب‌الله آن را مبارزه در راه آزادی می‌دانند. در مجموع هر تعریفی که از تروریسم ارائه شود، این نکته را نمی‌توان از نظر دور داشت که ارکان اصلی تعریف تروریسم در یک طرف، استراتژی مبتنی بر خشونت و در سوی دیگر، امنیت و دفاع مشروع است.

با توجه به تعارف مطرح شده در محافل علمی از تروریسم و جغرافیا و مشکل ارائه تعریفی جامع و دقیق از آن‌ها و نیز مفاهیم و نظریات جدید و دیدگاه‌های متفاوت در جغرافیای سیاسی ارائه تعریفی کامل از ژئوتروریسم نیز مشکل به نظر می‌رسد. به این لحاظ، شناخت مفهوم ژئوتروریسم از جغرافیای خاصی برخوردار است و درک مشخصات ژئوپلیتیکی نهفته در آن نیز حایز اهمیت می‌باشد و این وظیفه اندیشمندان مسائل ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی است که این جغرافیای خاص و در حال شکل‌گیری را مورد توجه قرار دهند. اما توجه به عوامل زیر می‌تواند مفهوم ژئوتروریسم را روشن‌تر سازد: انگیزهای سیاسی به جای منابع اقتصادی، تهدید با خشونت بویژه با ماهیت یری به مناطق و مکان‌های جغرافیایی مورد نظر که افراد بی‌گناه و غیر نظامی را هدف قرار می‌دهد (اگر چه در برخی

1. William Fitz Patrick

مواقع اهداف نظامی نیز انتخاب می‌شوند)، حد اعلا‌ی استفاده از جنجال و تبلیغات علیه مکان‌های جغرافیایی مورد نظر که گروه‌های تروریستی در آن قرار دارند، با هدف جلب توجه افکار عمومی. بر همین مبنا برای تفهیم مطلب بهتر است ابتدا مفاهیم اصلی این واژه را به صورت موشکافانه مورد بررسی قرار داده، عناصر و اجزای اصلی هر دو بخش از این واژه را شناسایی، تعریف و محدوده هر یک را مشخص ساخت. بنابراین مفهوم ژئوتروریسم را می‌توان در قالب الگوی پیشنهادی زیر مورد بررسی قرار داد.



شکل ۱ الگوی پیشنهادی برای مفهوم ژئوتروریسم

در این مدل، جغرافیا در سه حوزه مکان، فضا و سرزمین مورد توجه است و تروریسم در سه حوزه استراتژی مبتنی بر خشونت، امنیت و دفاع مشروع نمود بیش‌تر دارد. در حوزه فضا، تعاملات فضایی، حوزه نفوذ، سیستم‌های و ساختارهای فضایی مد نظر است. در جغرافیا مفهوم فضا به دو صورت به کار می‌رود، یکی فضای مطلق و دیگری فضای نسبی، فضای مطلق دارای کیفیت عینی، واقعی، مشخص و طبیعی می‌باشد. فضای نسبی نیز به‌طور مداوم در اثر نیازی اجتماعی - اقتصادی و شرایط تکنولوژیک در وسعت و فرم تغییر پیدا می‌کند. بنابراین فضای نسبی مقید به زمان و فرایند است (شکوئی (الف)، ۱۳۸۲: ۲۸۶).

در رویکرد ژئوپلیتیکی، مفهوم فضا شامل سرزمین‌هایی است که انسان توانسته در آن‌جا سکونت گزیند یا به گونه‌ای در آن دخل و تصرف کند. فضا صحنه نمایش پدیده‌های گوناگونی است که در آن ترکیب و تلفیق این پدیده‌ها آثار متنوعی از خود بر جای می‌گذارد (عزتی؛ ۱۳۸۰: ۸۴). در حوزه مکان، خصیصه‌های مکان، ماهیت مکان و هویت‌های مکانی مد



نظر است. مکان، کانون علم جغرافیا است؛ مرکز عمل آگاهانه و ارادی انسان‌هاست؛ واحدی از فضا و دارای روح و مشخصاتی است که در طول زمان تغییر می‌کند. این امر حاصل تغییر و دگرگونی در نگرش‌ها، ارزش‌ها و هدف‌های انسانی است. سرزمین نیز بخشی از جلوه‌گاه جغرافیایی است که با ادامه فیزیکی قلمرو یک کشور برابری می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۳۹). سرزمین یک دولت شامل پهنه آب‌ها، خشکی‌ها و جو زمین آن دولت است و مرزهای آن باید کم و بیش از نظر بین‌المللی مشخص و شناخته شده باشد. اعماق زمین نیز به صورت یک گوه مخروطی تا مرکز زمین، جزئی از سرزمین آن دولت محسوب می‌شود (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۱۷).

با توجه به مدل ارائه شده و تعاریف تروریسم، تروریسم در سه حوزه استراتژی مبتنی بر خشونت، دفاع مشروع و امنیت نمود بیش‌تری دارد. واژه خشونت^۱ از ریشه لاتینی زور^۲ گرفته می‌شود. گاه افراد خشونت را نهایت زورمداری می‌دانند (استیرن، ۱۳۸۱: ۱۵-۲۰). استراتژی مبتنی بر خشونت نیز شامل اقدامات طراحی شده در جهت کسب اهداف است. هدفی که با مجموعه‌ای از اقدامات برای محقق کردن آن توأمان است. این اقدامات در برگیرنده هرگونه عمل خشونت‌آمیز یا تهدید کننده به رغم مقاصد یا انگیزه‌های مرتبط با آن به منظور اجرای طرح‌های جنایی با هدف سلب حق حیات از انسان‌ها، ایجاد رعب و وحشت میان مردم، به خطر انداختن جان، حیثیت، آزادی، امنیت، حقوق مشروع انسانی یا آسیب‌رساندن به محیط زیست و برنامه‌ریزی برای دستیابی نامشروع به اموال عمومی و خصوصی، به خطر انداختن منابع ملی، تهدید صلح و ثبات جهانی است.

در حوزه دفاع مشروع بیش‌تر دو عامل ماهیت تجاوز و دیگری ماهیت فرد، گروه و یا دولت مورد نظر است. ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد حق دفاع برای دولت‌ها را یک حق ذاتی^۳ می‌داند. به این معنا که هر دولت عضو سازمان ملل متحد می‌تواند مانند افراد از خود دفاع کند. به این ترتیب حق دفاع مشروع به عنوان حق مسلم دولت‌ها پذیرفته شده است. اما پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد پذیرفتند که حمله یک سازمان تروریستی مانند تجاوز مسلحانه یک دولت یا یک فرد است و به دولت قربانی حق می‌دهد، به‌طور فردی یا جمعی به دفاع مشروع متوسل شود. در این رابطه نکته حایز اهمیت

1. Violence

2. vis

3. Inherent right

این است که حق دفاع مشروع، زمانی باید به وسیله قانون حمایت شود که در چارچوب یک سیستم مشروع اعمال شود. در این زمینه گرسیوس بر این باور است، دفاع مشروع ریشه در دفاع از حق خود (که ریشه در ذات هر موجود زنده است) دارد (Bowett, 1958: 48).

در حوزه امنیت، خصیصه‌هایی مانند پاسداری از بقای سیاسی و سرزمین کشور، تضمین بقای ارگانیک و فیزیکی و جمعی مردم، ایجاد شرایط لازم برای رفاه اقتصادی مدنظر است. سی. ا. مننگ، امنیت را رهایی از عدم امنیت و جان مارتس امنیت را آزادی نسبی از تهدیدات آسیب رساننده می‌داند (Both, 1991: 319). از سویی عناصر سیستم امنیت و مدیریت آن مرکب از حوزه‌های جغرافیا، سیاست و قدرت می‌باشد. بر این اساس امنیت از مفهوم ژئوپلیتیکی برخوردار است (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۲۷). هم‌چنین در هزاره سوم مفهوم امنیت علاوه بر در برگرفتن ابعاد غیر نظامی به حوزه انسان‌ها در کنار دولت‌ها کشیده شده است که امروزه از آن به عنوان امنیت جهانی یاد می‌کنند (هندیانی، ۱۳۸۶: ۱۰).

۴- جغرافیا و تروریسم

گروه‌های تروریستی در مکان و فضای جغرافیایی در هر مقیاسی اعم از محلی یا جهانی به دلایل خاص خود استراتژی‌های خشونت‌آمیز خود را اعمال می‌کنند. در این عرصه گروه‌هایی که قدرت بیشتری داشته باشند، بهتر می‌توانند نیاز خود را تأمین کرده و یا در رقابت با گروه‌های دیگر و یا دولت‌ها بقای خود را تضمین و منابع بیشتری را به‌دست آورند. ویژگی‌های جغرافیایی نیز مجموعه عواملی محسوب می‌شوند که برخی مواقع موافق خواسته‌های تروریست‌ها اعم از فردی یا گروهی عمل کند، به این معنا که می‌تواند تولیدکننده قدرت یا تضمین‌کننده بقای تروریست‌ها برای انجام فعالیت‌های تروریستی باشد (استقرار طالبان در کوه‌های مرتفع و غیر قابل قبول عبور که دسترسی به آن‌ها را تا حد زیادی مشکل ساخته است) و یا برخی مواقع عوامل جغرافیایی در جهت عکس خواسته‌های تروریست‌ها عمل می‌کند (حادثه ناکازاکی که در صفحات بعد به آن اشاره خواهد شد). از این رو شاید بتوان گفت هر چند بروز ترور ممکن است تحت تأثیر عوامل ایدئولوژیکی و حتی سیاسی اتفاق افتد، اما از سویی وقوع پدیده ترور می‌تواند منشأ جغرافیایی نیز داشته باشد و این



موضوع ریشه در تلقی افراد، گروه‌ها و دولت‌های متشکل سیاسی - فضایی بر سر کنترل و تصرف یک یا چند ارزش و عامل جغرافیایی دارد. در برخی موارد حتی اگر عوامل ایدئولوژیک و سیاسی مورد کالبد شکافی و تحلیل قرار گیرد مشخص می‌شود که این نوع عوامل به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از ماهیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی برخوردارند، مانند به‌هم خوردن توازن قوا میان گروه‌ها. در نتیجه رابطه میان مجموعه عوامل جغرافیایی و انجام اعمال خشونت‌آمیز را می‌توان از دو منظر رابطه تروریسم و مکان جغرافیایی و دیگری شاخص‌های جغرافیایی تأثیرگذار بر تروریسم مورد مطالعه قرار داد.

۴-۱- تروریسم و مکان جغرافیایی

جغرافیا علم مکان‌هاست و پراکندگی، افتراق و بازساخت مکانی - فضایی پدیده‌ها را در ارتباط با ساختار اجتماعی - اقتصادی تبیین می‌کند (شکویی (ب)، ۱۳۸۲: ۱۸-۱۹). به سخن دیگر، چگونگی شکل‌گیری پدیده‌ها و مسائل جغرافیایی هر ناحیه اعم از اقتصادی، اجتماعی و طبیعی بازتاب و انعکاس‌گر ایدئولوژی، شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر آن‌هاست و بالعکس (بیک محمدی، ۱۳۸۳: ۲۴)؛ به این معنا که پدیده‌های سیاسی نیز خود متأثر از عوامل جغرافیایی می‌باشند. در نتیجه رابطه تروریسم با مکان از منظر جغرافیایی را می‌توان از چهار بعد محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی مورد بررسی قرار داد. انتخاب مقیاس برای بررسی دامنه ژئوتروریسم به این دلیل است که مقیاس یکی از مهم‌ترین ابزارها در تحلیل‌های ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود که گستره تفکرها را مشخص می‌کند. در حقیقت مقیاس از نظر ژئوتروریسم الگوی انتخابی کشورها برای تأمین امنیت جهانی است.

۴-۱-۱- تروریسم محلی

این نوع تروریسم به عنوان مهم‌ترین و کوچک‌ترین بنیادهای تروریسم محسوب می‌شود و به شکل‌گیری گروه‌ها یا افرادی که به تخریب مکان یا ترور افراد در داخل مناطق مختلف یک کشور می‌پردازد، اشاره دارد. این نوع تروریسم در دو شکل سیاسی و غیر سیاسی مطرح می‌شود. زمانی که اهداف تروریست‌ها غیر سیاسی باشد، هدف از ترور می‌تواند فقط به فرد قربانی ختم شود و دایره ارباب آن به جامعه منتهی نشود. اما زمانی که هدف تروریست‌ها

سیاسی باشد اوضاع متفاوت است. شعاع عملکرد این نوع تروریسم گاهی فقط در حوزه فردی تعریف می‌شود. در این زمینه می‌توان تلاش انسان‌های روانی در ترور افراد یا برخورد دولت جمهوری اسلامی ایران در رابطه با دستگیری و اعدام خفاش شب یا برخورد با اشرار و قاچاقچیان مواد مخدر مثال زد.

۴-۱-۲- تروریسم ملی

این نوع تروریسم بیش‌تر با اهداف سیاسی و در چارچوب مرزهای سرزمینی یک کشور صورت می‌گیرد. هدف این نوع تروریسم متشکل از سرنگونی رژیم حاکم، اختلال در نظم موجود، ایجاد یک دولت مجزا و مستقل برای گروه ملی خود است که نمونه آن را می‌توان تلاش هیتلر در به قدرت رسیدن پس از جنگ جهانی اول در آلمان، نئونازیست‌های اروپای غربی در دهه ۱۹۸۰ که درصدد نابودی نظام دموکراتیک و ایجاد دولت فاشیستی بودند، یا تلاش طالبان برای برقراری حکومت مورد نظر خود در خاک افغانستان مثال زد. از طرف دیگر، تروریسم ملی می‌تواند از سوی دولت مرکزی به منظور ایجاد جو خفقان، تضعیف یا در هم شکستن اراده و مقاومت مردم در برابر دولت و مطیع ساختن آن‌ها صورت گیرد. این نوع تروریسم را معمولاً دولت‌هایی انجام می‌دهند که مشروعیت و مقبولیت چندانی در میان مردم ندارند. نمونه آن را می‌توان ترور و کشتار مردم ایران در جریان قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷، ترور شخصیت‌های عراقی در زمان صدام حسین، اقدامات پینوشه در شیلی، مارکوس در فیلیپین و ... مثال زد. تفاوت عمده تروریسم محلی و ملی در این است که هدف در تروریسم محلی می‌تواند سیاسی و غیر سیاسی باشد و شعاع عملکرد آن بسیار محدود و گاهی در حوزه فردی تعریف می‌شود. اما هدف در تروریسم ملی سیاسی و شعاع عملکرد آن تا مرزهای کشور ادامه دارد.

۴-۱-۳- تروریسم منطقه‌ای

این نوع تروریسم به دو شکل نمود پیدا کرده است. نخست این نوع تروریسم به شکل‌گیری گروه‌ها، افراد یا دولت‌هایی اشاره دارد که به تخریب مکان‌ها و یا ترور افراد در سطحی فراتر از مرزهای ملی می‌پردازند. دوم، تروریسم منطقه‌ای در قالب دخالت‌های پنهان و آشکار



دولت‌ها در امور داخلی دیگر کشورها، آن هم از طریق حمایت مالی و تسلیحاتی از شورشیان و ناراضیان بومی دیگر کشورها یا از راه استقرار مکان‌های امن برای شورشیان ناراضی کشورهای دیگر در خاک کشور خود مطرح شود. نمونه بارز نوع اول مشتمل بر دخالت رژیم اشغال‌گر قدس در لبنان و شکستن حریم زمینی و هوایی این کشور است. در مورد نوع دوم نیز می‌توان حمایت مالی و تسلیحاتی رژیم صدام حسین از سازمان مجاهدین خلق مثال زد.

۴-۱-۴- تروریسم جهانی

هدف این نوع تروریسم تعویض فرد یا نظام حاکمیتی نیست بلکه تغییر انگاره‌های جهانی است. به این منظور ردپای آن را در هر کشوری (موافق یا مخالف تروریسم) می‌توان یافت. در نتیجه نوع ترور به ارزش مکان‌ها از لحاظ استراتژیک بودن بستگی دارد. مانند عملیات تروریستی یازدهم سپتامبر (سیف زاده، ۱۳۷۶: ۱۲۳). این بعد از مفهوم تروریسم به شدت تحت تأثیر پدیده جهانی شدن قرار دارد؛ به عبارتی با روند جهانی شدن، تهدیدات امنیتی به سرعت ابعاد جهانی خواهد یافت و خارج از حوزه کنترل مرزهای حاکمیت دولت‌ها قرار خواهد گرفت و سبب اضافه شدن پسوند Geo به تروریسم شده است. در این زمینه هوفمن^۱ معتقد است که تفکرات بن‌لادن از طریق جهانی شدن شکل گرفت (Hoffman, 2002: 2). به سخن جیمز روزنا، این نوع تروریسم مصداق "جهان آشوبگر" است (عزتی، ۱۳۸۲: ۸۲). بر همین مبنا در رابطه با مکان‌های جغرافیایی، سه خصوصیت عمده را می‌توان برای تروریسم جهانی برشمرد: نخست این که عملیات تروریستی در قرن بیست و یکم نمایانگر این واقعیت است که تروریسم در حال حاضر از مقیاس محلی، ملی و منطقه‌ای فراتر رفته و در مقیاس جهانی عمل می‌کند؛ به طور مثال نتایج پژوهش بین‌المللی ایترات^۲ نشان می‌دهد تروریسم از سال ۱۹۶۸ به بعد رشد صعودی داشته است (Human Rights Watch, 2001 و فلمینگ T ۱۳۸۰: ۳۹). از این منظر تروریسم مسأله جهانی است و به همه مردم جهان مربوط می‌شود؛ زیرا دیگر تروریسم یک موضوع داخلی و ملی صرف محسوب نمی‌شود (Tucker, 1997: 14-31). دوم، مقابله با مکان‌های تروریستی وظیفه تمامی دولت‌ها است و در این راستا همه دولت‌ها باید

1. Hoffman
2. Itrat

متحد و یکپارچه عمل کنند؛ زیرا که این نوع از تروریسم نوین زمان و مکان را در نورددیده است. سوم، در تروریسم جهانی باید سیاست پیشگیری بهتر از درمان، مد نظر دولت‌ها باشد. به این معنا که مقابله با مکان‌ها تروریستی بهتر و آسان‌تر از دفاع در برابر حملات تروریستی است. از این رو به نظر می‌رسد در روابط ژئوپلیتیکی گرایش خاصی نسبت به گفتمان ژئوتروریسم وجود دارد؛ ب عبارت‌های دولت‌ها بر این عقیده هستند که در هر برهه زمانی نباید بیش از قدرت واقعی خود دشمنی به نام تروریست داشته باشند. در نتیجه توجه خاص به دشمن بالقوه اولین ویژگی نظام و محیط بین‌المللی در هزاره سوم است که دولت‌ها آن را مد نظر دارند.

۲-۴- نقش عوامل جغرافیایی در تروریسم

رویکرد جغرافیایی به تروریسم نشان‌دهنده دیدگاهی منسجم و کلی‌گرا به گروه‌های تروریستی است؛ یعنی همان درک رابطه متقابل شرایط محیطی بر تروریسم و هدف‌های آن و برعکس. در این میان مهم‌ترین شاخص‌های جغرافیایی که می‌توان بر فعالیت گروه‌های تروریستی اثر مثبت یا منفی داشته باشد، شامل عوامل جغرافیای طبیعی، که از اختصاصات نظام طبیعت است، هم‌چون آب و هوا، موقعیت جغرافیایی، توپوگرافی و عوامل جغرافیای انسانی تأثیرگذار در فعالیت‌های گروه‌های تروریستی که متناسب به عملکرد انسانی بوده و ناشی از کارکردهای فردی و جمعی است و در مکان و فضا قابل مشاهده است، مانند جمعیت، اقلیت‌های قومی و مذهبی و حفره‌های دولت.

۲-۴-۱- آب و هوا

ترور و تروریسم همانند سایر فعالیت‌های انسانی تحت تأثیر شرایط آب و هوایی است. چنان که هر گونه عملیات تروریستی بدون هماهنگی آب و هوای محل محکوم به شکست است که به وفور توان مصادیق آن را در طول تاریخ مشاهده کرد. در یکی از روزهای تابستان ۱۹۴۵، هیروشیما شاهد هوای خوبی بود. در ساعت ۹:۷ دقیقه صبح هوا کم‌تر از سه درصد دارای پوشش ابری بود که هواپیمای جنگی از حیطة تشخیص رادارها گذشت، آسمان برای استفاده از فعالیت هسته‌ای به اندازه کافی صاف بود، نبود پوشش ابر کار هیروشیما را ساخت و بمب



درست به هدف برخورد کرد. در صورتی که پوشش ابر در کاکورا تأثیر دیگری داشت. در ۱۸ آگوست، دومین بمب هسته‌ای به نام B۲۹ برای کاکورا در نظر گرفته شده بود، اما آسمان کاکورا پوشیده از ابر بود، در نتیجه هدف بمب ناکازاکی اعلام شد و این چنین بود که آب و هوا کار ناکازاکی را تمام کرد (<http://rezaesmaili.blogfa.com/post-9.aspx>). نمونه دیگر شکست آمریکا در حمله به طبس بود که به قول کارتر رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده بر اثر مواجه شدن با طوفان‌های شنی، هواپیماهای مهاجم سقوط کردند؛ یعنی این که از قبل وجود طوفان‌های شنی را پیش‌بینی نکرده بودند (علیجانی، ۱۳۶۷: ۹۹). به این ترتیب می‌توان گفت که بین عوامل طبیعی، آب و هوا نقش بسیار مهمی در فعالیت سیاسی انسان‌ها در سیاره زمین دارد؛ به طوری که هیچ نژاد، دسته و گروهی را امکان‌گریز از تأثیرات شگرف و عمیق آن نیست و همواره در خشکی و دریا، جلگه و کوهستان، میان مردم وحشی و متمدن اثر ژرف و دیرپایی دارد.

۴-۲-۲- موقعیت جغرافیایی

موقعیت جغرافیایی از مهم‌ترین عوامل طبیعی در شکل‌دهی به فعالیت‌های انسانی است. آلن چرچیل سمپل جغرافیدان آمریکایی عقیده دارد که موقعیت جغرافیایی هر کشوری در تاریخ‌آفرینی آن‌ها از عوامل بسیار مهم به‌شمار می‌رود (شکوئی، ۱۳۸۳: ۲۴۴). می‌توان گفت که مکان‌های جغرافیایی نسبت به میزان توسعه و پیشرفت خود آسیب‌پذیرترند. این موضوع نه از آن جهت است که آن‌ها از توانایی کم‌تری در مقابله و مبارزه با تروریسم دارند بلکه به این لحاظ است که از نقاط آسیب‌پذیرتر، ارزشمندتر و پراهمیت‌تر، برخوردارند که می‌تواند به عنوان هدف از سوی تروریست‌ها انتخاب شوند. از این رو کشورهایی که در معرض حملات تروریستی و به‌خصوص تروریسم جهانی بیش‌تری قرار می‌گیرند، اغلب کشورهای دموکراتیک و پسا صنعتی با تراکم رسانه‌ای بالا هستند که از لحاظ جغرافیایی خود را کشورهای شمال می‌نامند.

به عبارت دیگر می‌توان گفت اهمیت موقعیت یک مکان جغرافیایی با برد فضایی آن رابطه مستقیم دارد؛ به این معنا که هر چه قدر برد فضایی یک مکان جغرافیایی بیش‌تر باشد، اهمیت و ارزش آن مکان نیز بیش‌تر خواهد شد. بر این اساس به‌طور قطع شهر نیویورک که دارای مراکز

مهمی هم چون سازمان ملل و دیگر نهادهای مهمی است، قابلیت و ارزش آن را دارد که به عنوان اهداف تروریست‌ها انتخاب شود تا شهری هم چون مگادیشو (مرکز سومالی). از سویی دیگر باید توجه داشت که در سال‌های اخیر حملات تروریستی به سمت کشورهای جنوب روانه شده است و این شاید به خاطر سیاست‌های خاص کشورهای شمال باشد تا از بروز حملات تروریستی در خاک کشور خود جلوگیری کنند، چرا که حملات تروریستی در سال‌های اخیر در کشورهای خاورمیانه و آفریقا بیش تر و در نتیجه قربانیان بسیاری نیز به همراه داشته است (Gearson, 2002: 21-24).

۴-۲-۳- حفره‌های جغرافیایی دولت

مناطقى که به هر دلیل از نظارت دولت‌ها بر آن‌ها کاسته شود، می‌تواند یکی از عوامل بسیار مهم در گسترش ترور و خشونت باشد. در این رابطه حفره‌های دولت به نواحی گفته می‌شود که نظارت‌های معمول دولت در آنجا اعمال نمی‌شود و با گسترش صنعت مواد مخدر و فرهنگ همراه آن، این حفره‌ها در حال بزرگ‌تر شدن هستند، به طوری که شاهد مناطقی مانند مناطق ممنوعه و مناطق ملال‌آور هستیم (مویر، ۱۳۷۹: ۲۰۳). برای مثال تروریسم بین‌المللی از ۱۰۰ حادثه به بیش از ۴۰۰ حادثه در فاصله سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۶ و بیش از ۱۰۰۰ حادثه در سال ۱۹۸۷ بالغ شده است (Human Rights Watch, 2003: 10-11). این افزایش عملیات تروریستی، نشان‌دهنده افزایش حفره‌های دولت است که مهم‌ترین دلایل آن را می‌توان انگیزه‌های سیاسی، افزایش نوع سلاح‌ها و مواد منفجره و سهولت دسترسی به آن‌ها، تسهیل رفت و آمد به نقاط مختلف جهان و گسترش وسایل ارتباط جمعی که تروریست‌ها را در راه رسیدن به اهداف خود یاری می‌کنند، جستجو کرد. تفکرات مربوط به افزایش حفره‌های دولت را هم‌چنین می‌توان در نظریه کاهش قدرت دولت‌ها مشاهده کرد.

این دیدگاه معتقد است که دولت‌های ضعیف و آمیخته به فساد و فاقد نهادهای قانونی قدرتمند نمی‌توانند فرصت‌های لازم اقتصادی و اجتماعی را برای شهروندان خود ایجاد کنند و نتیجه این خواهد بود که بستر مناسبی برای نارضایتی و حمایت از تروریسم در آن‌ها به وجود می‌آید که به نوبه خود باعث شکل‌گیری گروه‌های تروریستی خواهد شد (سیمبر، ۱۳۸۴: ۱۱۳). از این رو کشورهایی مانند افغانستان و سومالی بستر سیاسی لازم را برای سازمان‌های



تروریستی مهیا می‌کنند تا در آنها به آموزش و تجهیز نیروهای خود بپردازند. در این میان آفریقا را بهترین مکان برای پرورش تروریسم می‌دانند (Rasperry, 2001: 21).

۴-۲-۴- اقلیت‌ها

پرداختن به مسأله اقلیت‌ها در واقع تعمق در قضیه‌ای اساسی و از مقوله سیاست‌های ملی و بین‌المللی و تأثیر عامل جغرافیایی است که بر این اساس نقش تثبیت‌کننده مخاصمات را در فضا برعهده دارد. اقلیت‌ها از راه تشکیل و تثبیت سرزمین‌های ویژه اقلیت‌ها، قوت‌گرفتن گرایش‌های ناحیه‌ای و ایجاد گتوهای شهری در مدت زمانی کم و بیش طولانی در تلاش برای تأثیر در فضا هستند. به این ترتیب تنش‌های منطقه‌ای عموماً در آن دسته از واحدهای سیاسی صورت می‌گیرد که هنوز هویت ملی نتوانسته جایگزین هویت‌های منطقه‌ای یا محلی شود (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۵: ۶). به این ترتیب نظام‌های استبدادی، اقلیت‌های مبارز و ستیزه‌جو را یا از عرصه حیات اجتماعی طرد می‌کنند و یا در چارچوب‌های محدودکننده محصور نگه می‌دارند و یا شرایط مهاجرت آنها را فراهم می‌سازند که این امر با اعتراض گسترده آنها همراه است، مانند جنبش‌های اعتراض‌آمیز سیاهان که نام‌آورترین آن با رهبری مارتین لوتر کینگ در آمریکا بود و یا فشار اسرائیلی‌ها نسبت به مردم فلسطین که شرایط ناامنی در منطقه شده است.

بنابراین توجه به اقلیت‌ها و خواسته‌های آنها می‌تواند این گروه‌ها را از پی‌گیری اهداف خود که شامل اهداف سیاسی مانند تشکیل یک کشور مستقل و توسعه جغرافیایی یا اهداف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، باز دارد. در صورتی که عدم توجه به این امر، تنش‌ها و تشنج‌های قانونی یا غیرقانونی و بالاخره اعمال خشونت و تروریسم را در پی خواهد داشت که نمونه بارز آن را می‌توان در ایالت باسک اسپانیا، کبک کانادا، مسأله کردهای ترکیه و یا ترورهای وحشتناک در سومالی و سیرالئون اشاره کرد. نسل‌کشی^۱ از سوی دولت‌ها نیز از جمله اقدامات تروریستی است که در طول تاریخ دامنگیر گروه‌های اقلیت بوده است. این جنایت‌ها عبارتند از، از میان بردن کامل یا بخشی از یک جمعیت، تبعید یا پراکندن آنها، تحمیل شرایطی خاص به آنها که موجودیت فیزیکی یا روانی یا تولید مثل طبیعی‌اش را به

1. Geocide

خطر اندازد. نمونه آن را می‌توان در جنایت‌های رژیم هیتلری یا قتل عام و تبعید ارمنیان را به دست ترک‌ها در سال ۱۹۱۵ نام برد (برتون، ۱۳۸۰: ۱۸۷).

۵- نتیجه‌گیری

در هزاره سوم در اثر رشد و توسعه علم و تکنولوژی، تروریسم از مرزهای ملی و منطقه‌ای عبور کرده و به پدیده‌ای جهانی تبدیل شده است. حادثه یازده سپتامبر مظهر تروریسم پست‌مدرن و مطرح‌شدن مباحث جغرافیایی از گفتمان جهانی‌شدن به گفتمان پست جهانی‌شدن، یعنی امنیت بود. القاعده به‌عنوان یک سازمان کوچک نشان داد که می‌تواند باورهای سنتی خود را حفظ کند، اما جهانی‌بیندیشد و جهانی عمل کند. در این زمینه وجود نگرش تازه و عملی به موضوعات سبب توجه به مفاهیم جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک شده است که نه تنها به مسائل ژئوپلیتیکی روز بلکه به توسعه مفاهیم این رشته کمک می‌کند. این‌چنین نگرشی در بررسی مفهوم ژئوتروریسم باید با بسط تعریفی کاربردی که مورد قبول جامعه علمی باشد، آغاز شود. اما در تعیین کیفیت و ویژگی‌های عمل تروریستی، به‌طور عمده این تعریف ابتدایی را که وجه مشترک بیش‌تر تعاریف است، می‌پذیرند. روش تروریست‌ها هراس‌افکنی و خشونت غیرقانونی در مکان‌های مختلف است و استراتژی آن‌ها در مبارزه علیه ظلم، استبداد و استعمار، دستیابی به اهداف سیاسی، اجتماعی و تحصیل آزادی و استقلال ملت خود است که با اهداف جنایتکاران عادی، دزدان و تبهکاران تفاوت دارد. در حوزه ژئوتروریسم مکان، فضا، سرزمین، امنیت، استراتژی مبتنی بر خشونت و دفاع مشروع از موضوعات محوری می‌باشد. در ژئوپلیتیک نیز این واژه‌ها همانند واژه‌هایی چون منافع ملی، مفهومی به‌طور ذاتی سیال و هرمنوتیک است. از این رو اصطلاح ژئوتروریسم تک معنا نیست بلکه پرمعناست. ژئوتروریسم یک مفهوم نسبی است، بعلاوه متغیرهای متنابهی هم‌چون گفتمان و زیست‌محیط نیز در تبیین و تعیین مفهوم و مصداق آن نقش اساسی و تعیین‌کننده دارند؛ به‌عبارتی ژئوتروریسم فرایندی مستمر به‌شمار می‌آید که در هر عصر و دوره‌ای می‌توان ابعاد تازه‌ای از آن را کشف کرد و به این ترتیب به تکمیل چیرستی این اصطلاح کمک کرد. در زمینه نقش جغرافیا بر تروریسم می‌توان گفت که دو دسته عوامل جغرافیای طبیعی شامل آب و هوا



و اقلیم، موقعیت جغرافیایی و توپوگرافی و عوامل جغرافیای انسانی شامل حفره‌های دولت، اقلیت‌های قومی و مذهبی و هویت‌ها بیش‌ترین تأثیر را بر تروریسم دارند و از طرف دیگر مکان جغرافیایی از حیث انتخاب مقیاس برای مطالعه دامنه تروریسم حایز اهمیت فراوانی است. نکته قابل تأمل در این بحث این است که ژئوتروریسم مانند تروریسم هیچ وقت تعریف ثابت و نهایی به خود نمی‌گیرد و این به دلیل وجود ضدها، نقیض‌ها، تشابهات و تفاوت در گفتمان‌هاست. در این صورت مقوله با اهمیت ژئوتروریسم را در جغرافیای سیاسی نمی‌توان بدون تعریف رها کرد بلکه با تعیین نقاط مشترک، تفاوت و تشابهات مکان‌های مختلف، مرزهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی، جغرافیایی و ... می‌توان به تعریفی نزدیک شد که تقریباً قابل قبول برای همگان باشد. با توجه به مباحث ارائه شده در قالب تعریف تروریسم و رابطه تروریسم با جغرافیا می‌توان گفت ژئوتروریسم عبارت است از مطالعه روابط متقابل اعمال خشونت‌بار یک گروه انسانی بر علیه گروه انسانی دیگر و مجموعه‌ای از عوامل جغرافیایی و نتایج حاصل از عملکرد آن‌ها بر یکدیگر. البته باید یادآور شد که گفتمان مسلط و نوع نظام سیاسی نیز متغیرهای مستقل دیگری هستند که مفهوم ژئوتروریسم به آن‌ها وابسته است. در نتیجه به فراخور تغییر و تحول در گفتمان‌ها و نظام‌های سیاسی تعریف ژئوتروریسم نیز می‌تواند دگرگون شود.

۶- منابع

- استیرن ف؛ خشونت و قدرت؛ ترجمه بهنام جعفری، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱.
- افضلی ر؛ پیامدهای ژئوپلتیکی یازده سپتامبر در منطقه خاورمیانه؛ پژوهش‌های جغرافیایی، ش. ۵۷، ۱۳۸۵.
- برادن ک، شلی ف؛ ژئوپلتیک فراگیر؛ ترجمه علیرضا فرشچی و حمید رضا رهنما، انتشارات ستاد دوره عالی جنگ، ۱۳۸۳.
- برتون ر؛ قوم‌شناسی سیاسی؛ ترجمه ناصر فکوهی، انتشارات غزال، ۱۳۸۰.
- بیک محمدی ح؛ مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی ایران؛ انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۳.

- پیشگاهی فرد ز.؛ چالشهای جامعه ایران از منظر جغرافیای سیاسی؛ پژوهشهای جغرافیایی، ش. ۵۷، ۱۳۸۵.
- جونز ر.، جونز م.، وودز م.؛ مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی؛ ترجمه زهرا پیشگاهی فرد و رسول اکبری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- حافظنیا م. ر.؛ اصول و مفاهیم ژئوپلتیک؛ پژوهشکده امیرکبیر، انتشارات پاپلی، ۱۳۸۵.
- رایش و.؛ ریشه‌های تروریسم؛ ترجمه سید حسین محمدی نجم؛ چاپ اول؛ انتشارات دوره عالی جنگ، ۱۳۸۱.
- سیف‌زاده س. ح.؛ نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل (مبانی و قالب‌های فکری)، انتشارات سمت، ۱۳۷۶.
- سیمبر ر.؛ بررسی نگرشهای متفاوت درباره حملات تروریستی علیه غرب؛ فصلنامه ژئوپلتیک، شماره ۲، ۱۳۸۴.
- شکویی ح.؛ اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (جلد اول)؛ چاپ ششم، انتشارات گیتاشناسی، (الف)، ۱۳۸۲.
- شکویی ح.؛ فلسفه جغرافیا؛ انتشارات گیتاشناسی، (ب)، ۱۳۸۳.
- شکویی ح.؛ اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا؛ فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی (جلد دوم)، انتشارات گیتاشناسی، ۱۳۸۲.
- عزتی ع.؛ ژئوپلتیک؛ انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
- عزتی ع.؛ نظریه‌های جدید در جغرافیای سیاسی؛ انتشارات قومس، ۱۳۸۳.
- علیجانی ب.؛ آب و هوا و برنامه‌ریزی فعالیتهای نظامی؛ تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۰، ۱۳۷۶.
- غالیپ.؛ ترجمه زمانی، سید قاسم؛ در: طیب؛ علیرضا؛ سازمان ملل متحد و اقدامات جامعه حقوقی برای مبارزه با تروریسم بین‌المللی، تروریسم، تاریخ؛ جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق؛ نشر نی، ۱۳۸۲.
- فلمینگ و.؛ سایبر تروریسم: پندارها و واقعیت‌ها؛ ترجمه ا. بقایی نشر نی، ۱۳۸۵.
- مجتهدزاده پ.؛ جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی؛ انتشارات سمت، ۱۳۸۱.



- مویر ر.؛ درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی؛ ترجمه دره میرحیدر، انتشارات سازمان نیروهای مسلح، ۱۳۷۹.
- میرحیدر د.؛ مبانی جغرافیای سیاسی؛ انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- هندیانی ع.؛ بررسی تحولات مفهومی امنیت در محیط امنیتی؛ فصلنامه دانش انتظامی، ۱۳۸۶.
- Both K.; “Security and emancipation”; *Review of International Security*, Vol 17, 1991.
- Bowett D. W. D.; “in International Law”; University Manchester, 1958.
- Campbell D; “Time is broken: The return of the past in the response to september 11” theory and event 5/4, 2002.
- Dona M. S.; “International terrorism, An Introduction to the Concepts and Actors”; 1997.
- Gearson J.; “The nature of modern terrorism”; *Political Quarterly* 73(4) Supplement 1, 2002.
- Hoffman B.; “Terrorisms CEO” (INTERVIEW WITH Peter Bergen); Atlantic Unbound, [http:// www.theatlantic.com](http://www.theatlantic.com), 2002.
- <http://rezaesmaili.blogfa.com/post-9.aspx>.
- Human R. W.; In the name of counter-terrorism: Human rights Abuses worldwide: A human rights watch briefing Paper for the 59th Session of the United Nations Commission on Human Rights 10-11, available at www.hrw.org/un/chr59/counter-terrorism-bck.pdf, 2003.
- Human R. W.; World report 2001: Argentina human rights development; available at. www.hrw.org/wr2k1/americas/argentina.html, 2001.
- Louis, Rene Beres; “The meaning of terrorism for the military commanders”; (Comparative Strategy), Vol: 14, 1995.

- Muller E.R. R.F.J Spay and A.G.W. Ruitenbery, Trends in terrorism; Alphen aan den Rijn: Kulwer, 2003.
- Pearlestein Richard M.; "The mind of the political terrorist"; in Kindle Edition, 1991.
- Raspberry W.; "Terrorisms fertile"; Washington Post, 21 October, 2001.
- Tucker D.; Skirmished at the edge of empire: The united state and international terrorism, Praeger, 1997.

